

Contemporary and future civilizational religious and ritual practices based on religions in the views of thinkers

Mohammad Sadia Zahid ¹

PhD student of Contemporary Muslim Thought, Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Received: 2025/03/02 | Accepted: 2025/03/12

Abstract

Rituals and ceremonies can be considered fundamental elements of any religion, through which individuals seek to connect with the sacred. Understanding rituals and analyzing their role and function, especially in individual and collective dimensions, is among the topics that have attracted the attention of sociologists and anthropologists of religion. Meanwhile, thinkers of different religions, with their interpretive approaches and relying on empirical observations, have offered analyses of rituals that mark a turning point in religious anthropology. On the one hand, rituals create a space that stabilizes religious beliefs and strengthens social cohesion, and on the other hand, they provide conditions for individual transformation and the experience of sacred moments. The results showed that despite the rise and fall of various civilizations, religion has always played a central and influential role in the formation, growth, and flourishing of civilizations. The analysis of the history of religions and the lives of divine prophets in the Holy Quran also emphasizes that religion guides humanity towards the creation of a cohesive, organized society free from dispersion and chaos, and by offering a transcendent rationality, it leads humanity on the path to achieving happiness and prosperity. Therefore, considering the religious roots of civilization, we realize that in great civilizations, social activities, political, economic, ethical, intellectual, and philosophical experiences originate from a religious perspective and orientation. For Islamic society as well, achieving civilization will rely on returning to and adhering to Islamic teachings.

Key words: Ritual ceremonies, religious rites, the future of civilization, religions.

1. E-mail: mszahidi.84@gmail.com



مناسک آیینی و دینی معاصر و آینده تمدنی مبتنی بر ادیان در آراء متفکرین

محمد صادق زاهد^۱

دانشجوی دکتری اندیشه معاصر مسلمین، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۲

چکیده

مناسک و آیین‌ها را می‌توان از عناصر بنیادی هر دین محسوب کرد که فرد از طریق مشارکت در آن‌ها به دنبال ایجاد ارتباط با امر قدسی است. درک مناسک و تحلیل نقش و کارکرد آن‌ها، به‌ویژه در ابعاد فردی و جمعی، از جمله مباحثی است که توجه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان دین را به خود جلب کرده است. در این میان، متفکران ادیان مختلف با رویکردهای تفسیری خود و تکیه بر مشاهدات عینی، تحلیلی از مناسک ارائه کرده‌اند، که نقطه عطفی در انسان‌شناسی دینی به شمار می‌رود. مناسک از یک سو فضایی را ایجاد می‌کنند که موجب تثبیت عقاید و باورهای دینی و همچنین تقویت انسجام اجتماعی می‌شود، و از سوی دیگر شرایطی را برای تحول فردی و تجربه لحظات قدسی فراهم می‌آورد. نتایج نشان داد که با وجود ظهور و افول تمدن‌های گوناگون، دین همواره نقشی محوری و تأثیرگذار در شکل‌گیری، رشد و شکوفایی تمدن‌ها ایفا کرده است. تحلیل تاریخ ادیان و زندگی پیامبران الهی در قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید دارد که دین انسان را به سوی ایجاد جامعه‌ای منسجم، نظام‌مند و عاری از پراکندگی و هرج و مرج هدایت می‌کند و با ارائه عقلانیتی متعالی، او را در مسیر دستیابی به سعادت و رفاه پیش

1. E-mail: mszahidi.84@gmail.com

می‌برد. بنابراین، با توجه به ریشه‌های مذهبی تمدن درمی‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ، فعالیت‌های اجتماعی، تجربیات سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی نشأت گرفته است. برای جامعه اسلامی نیز دستیابی به تمدن متکی بر بازگشت و پابندی به آموزه‌های اسلامی خواهد بود.

واژگان کلیدی

مناسک آئینی، مناسک مذهبی، آینده تمدن، ادیان.

مقدمه

مناسک دینی به عنوان یکی از ارکان بنیادین هر دین، نقش مهمی در تجلی امر مقدس، انتقال باورها، و تقویت هویت جمعی ایفا می‌کنند. این مناسک، که ریشه‌ای در مفاهیم پارস্যی و عبادت دارند، مجموعه‌ای از اعمال آئینی منظم‌اند که در قالب‌های متنوعی چون دعا، نیایش، نمادها و اشکال حسی جلوه می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی، مناسک نه تنها ابزار انتقال فرهنگ دینی، بلکه بستری برای تجربه عاطفی و باور دینی‌اند، چنان‌که متفکرانی چون دورکیم، مارکس و گیرتز نیز به تحلیل کارکردهای آن پرداخته‌اند. در ایران، با سابقه‌ای دیرینه از دین‌محوری، مناسک مذهبی تأثیر عمیقی بر فرهنگ و تمدن گذاشته‌اند و حتی در دوران مدرن، اشکال تازه‌ای از مناسک، گاه در قالب‌های سکولار یا پسامدرن، پدید آمده‌اند. ادیان، به‌ویژه ادیان توحیدی مانند اسلام، در شکل‌گیری تمدن‌ها نقشی بی‌بدیل داشته‌اند و این امر در تاریخ جوامع انسانی، از ایران باستان تا تمدن اسلامی، به روشنی مشهود است. نادیده گرفتن این نقش، بی‌توجهی به یکی از مهم‌ترین عوامل تمدن‌ساز در تاریخ بشر خواهد بود.

الف - مفاهیم و چارچوب نظری

تمدن صرفاً دستاوردی مادی نیست، بلکه ابعاد اخلاقی و معنوی نیز بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد. اگر تمدن را حرکت به سوی کمال بدانیم، دین و پیامبران نقش شتاب‌دهنده در این فرآیند دارند، زیرا با ترویج اخلاق و همزیستی، زمینه تمدن‌سازی را



دین، بنیان عقلانیتی است که تمدن بر آن استوار می شود و ادیان الهی، به ویژه اسلام، در تاریخ تمدن سازی نقش محوری داشته اند.^۲

از منظر متفکرانی چون توین بی، دین نه تنها عامل پیوند و نظم در جوامع است، بلکه هدف غایی تاریخ بشر نیز هست.^۳ ویل دورانت نیز دین را بنیاد سازمان یافته ترین نظام های تمدنی می داند.^۴

نظریه تمدنی قرآن، آینده را متعلق به صالحان دانسته و وعده پیروزی حق بر باطل را ارائه می دهد. (انبیاء، ۱۰۵؛ قصص، ۵؛ اسراء، ۸۱)

در تعریف تمدن، مفاهیمی چون نظم، اخلاق، امنیت و رشد فکری جای دارند. علامه جعفری تمدن را هماهنگی روابط انسانی در جهت رشد استعداد های سازنده می داند.^۵ هانتینگتون آن را گسترده ترین هویت فرهنگی، و ویل دورانت، نظامی اجتماعی می داند که اخلاق را محور قرار می دهد.^۶

درباره دین نیز تعاریف متنوعی وجود دارد. علامه طباطبایی دین را مجموعه ای از عقاید و دستورهای اخلاقی و عملی می داند که از سوی خدا برای سعادت بشر آمده اند.^۷ این نگاه دینی، پایه و محرک اصلی تمدن از دیدگاه متفکران مسلمان و بسیاری از اندیشمندان غربی است.

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). انسان کامل. قم: انتشارات صدرا، ص ۵۹. و خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام.

تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۸، ص ۳۶۷.

۲. توین بی، آرنولد (۱۳۷۶). بررسی تاریخ تمدن. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۰۷. و دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳.

۳. سوروگین، الکساندر (۱۳۷۷). نظریه های جامعه شناسی و فلسفه های نوین تاریخ. رشت: انتشارات حق شناس، ص ۱۴۸.

۴. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: نشر انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۷۸. ۵. جعفری، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۲۳۳.

۶. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶). نظریه برخورد تمدن ها. تهران: نشر وزارت امور خارجه، ص ۷۴۵. و دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳.

۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸، ص ۴۱.



وحیدی منش (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام» به بررسی عناصر تمدنی دین اسلام از جمله خردگرایی، عدالت، اخلاق و... پرداخته است.

الویری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی» به نقد نظریات بن نبی پرداخته است.

ولایتی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن» دین را از عوامل و عناصر تمدن می‌داند و این به دلیل تأثیر غیرقابل انکار دین در جوامع بشری است. مخلصی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «دین، فرهنگ و تمدن اسلامی» به نقش دین در ایجاد تمدن می‌پردازد. مطالعه تاریخی تمدن‌ها در این پژوهش نشان داد که ابتدا دین به وجود آمد، سپس تمدن، و با توجه به عناصر ایجادکننده تمدن، دین همه آن‌ها را مورد تأکید قرار داده و بشر را به تمدن‌سازی تشویق کرده است.

ج- نمود مناسک آئینی و مذهبی در تمدن بشری و ریشه آن

در جوامع با پیشینه تاریخی همچون ایران، مناسک دینی و فرهنگی از منابع متعددی ریشه گرفته و توانسته‌اند نظام‌های گوناگون معنایی را با یکدیگر هم‌ساز کنند. تقویم قمری و خورشیدی که بازتاب دهنده سنت‌های عشایری و کشاورزی است، نمادی از این هماهنگی است. چنین هم‌سازی‌ای در گذر تاریخ، با تکیه بر انعطاف‌پذیری فرهنگی، نمادشناسی و ذهنیت ایرانی ممکن شده است.^۱

مناسک نه تنها بُعد دینی دارند، بلکه از منظر انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، نقشی کلیدی در انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند. در ایران، جماعت‌های متداخل از دل این مناسک شکل می‌گیرند و جشن و عزا به دو قطب مکمل در شکل‌گیری هویت جمعی تبدیل شده‌اند. با این حال، ایدئولوژیزه کردن یا خرافی‌سازی مناسک می‌تواند به کارکردهای فرهنگی آنها آسیب برساند.^۲

۱. طاهری، فاطمه، (۱۴۰۰)، نقش مناسک و آیین‌ها در تقویت باورهای ملی و معنوی: گفتگو با ناصر فکوهی، قابل مشاهده در: وبسایت تمدن باستانی.

۲. همان

نظریه «مناسک گذار» آرنولد وان جنپ، گرچه ابزار مفیدی برای تحلیل مناسک بحران‌های زندگی (تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ) است، اما به سختی قابل تعمیم به نظام پیچیده مناسکی ایران است که هم‌زمان سنت، دین و سیاست را در هم می‌تند.^۱

مطالعات مناسکی در ایران هنوز عمدتاً در سطح توصیف باقی مانده و نیازمند تحلیل‌های عمیق‌تر و چندرشته‌ای مانند روان‌کاوی، نمادشناسی، و زیبایی‌شناسی است. این کم‌توجهی موجب صوری‌گرایی و سطحی‌نگری نسبت به مناسک شده که هم از سوی مدافعان سنتی و هم از سوی منتقدان مدرن دیده می‌شود.^۲

در مورد خرافات، باید گفت که این پدیده اغلب نتیجه تقابل ساختگی میان عقلانیت و باورهای دینی است. در حالی که فرهنگ ایرانی در بسیاری موارد توانسته از این دوگانه عبور کرده و تلفیقی پویا پدید آورد، تلاش برای حذف خرافات بدون شناخت دقیق انسان‌شناختی و فرهنگی، می‌تواند به تخریب خود مناسک بیانجامد.^۳

د- رابطه دین و تمدن ادیانی

- امنیت و نظم

امنیت یکی از نیازهای اساسی بشر بوده و تأمین آن از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها محسوب می‌شود. دین، به عنوان یکی از عوامل اصلی در ایجاد و استمرار تمدن، نقشی محوری در ایجاد نظم و امنیت ایفا کرده است. به باور ویل دورانت، تمدن زمانی ممکن است که هرج و مرج و ناامنی پایان یابد، زیرا تنها با از بین رفتن ترس است که انسان‌ها می‌توانند خلاقیت و کنجکاوی طبیعی خود را برای پیشرفت زندگی به کار گیرند. او بیان می‌کند که تمدن بدون نظم و امنیت شکل نمی‌گیرد، چرا که این دو عنصر، پایه‌های توسعه علمی و اجتماعی هستند. ویل دورانت همچنین اشاره دارد که نقش دین در پایه‌ریزی

۱. حاجی احمدی، زهرا؛ همراز، ویدا؛ مسئول: گیل آبادی، شهرام، (۱۴۰۲)، روش مطلوب مناسک‌سازی تعزیه عاشورایی در رسانه‌های شنیداری، مطالعات دینی رسانه، سال پنجم - شماره ۱۹، ص ۱۳.

۲. میری، محسن؛ مهدی، محمد مهدی؛ بیدی، مجتبی؛ (۱۴۰۱)، جستاری تحلیلی از مدل نظام‌سازی سازمانی مبتنی بر مناسک دینی در احادیث شیعه؛ مطالعه موردی نماز، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۳۱، ص ۱۵۸.

۳. غیاثی، هادی؛ برزویی، محمدرضا؛ نصیری، امید؛ (۱۴۰۰)، واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده‌روی زیارت اربعین حسینی، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۸۸، ص ۲۴۱.



نظم و امنیت، برای تحقق ارکان تمدن ضروری است. از طرفی، این مفاهیم در سرشت انسان نهادینه شده‌اند و از سوی دیگر، دین نقش تضمین‌کننده‌ای در تحقق آنها ایفا می‌کند. این موضوع مورد تأکید هم موافقان دین و هم مخالفان آن قرار گرفته است. به عنوان مثال، ماکیاولی تأکید داشت که مذهب تا چه حد در یکپارچگی اجتماعی، فرماندهی نیروها، تشویق به اعمال نیک و جلوگیری از جرم تأثیرگذار بوده است. او همچنین به این نکته اشاره می‌کند که هیچ قانونگذاری موفق نبوده است مگر آنکه به مراجع الهی توسل جوید، زیرا قوانین بدون پشتوانه دینی هرگز مورد پذیرش عموم قرار نمی‌گیرد.^۲

در فقه اسلامی، شدیدترین مجازات‌ها برای متخلفانی که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کنند تعیین شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز اقدامات مختلفی برای تأمین امنیت انجام داد، از جمله انعقاد قراردادهای صلح با همسایگان، پیمان‌های دوستانه با یهودیان مدینه، ایجاد برادری میان قبایل اوس و خزرج، تأسیس اتحاد ملی مسلمانان و تأکید بر حفظ وحدت و هشدار در مورد پیامدهای اختلاف.

یکی از شاخصه‌های حکومت جهانی اسلام که خداوند وعده آن را داده است، استقرار امنیت و رفع ترس و نگرانی است. جامعه‌ای که در آن امنیت برپا باشد نه تنها از لحاظ اقتصادی متحول خواهد شد، بلکه برکات الهی نیز به سمت آن روانه می‌شود. خداوند در قرآن کریم مثال شهری را آورده که در آرامش و امنیت قرار داشت و روزی فراوان از هر سو به آن سرازیر می‌شد (نحل: ۱۱۲).

براساس این آیه، سه ویژگی اصلی برای چنین شهری ذکر شده است: امنیت، اطمینان و روزی فراوان. شهری که از هجوم اشرار و تعرضات محفوظ باشد، آرامشی پایدار به ساکنانش می‌بخشد و آنان از نظر روحی و روانی مستقر می‌شوند. چنین محیطی موجب

۱. صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹). سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه سید جمال موسوی. تهران: انتشارات روزبه، ص ۹۶.

۲. سپهری، محمد (۱۳۸۹). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ص ۷۲.

جذب نعمت‌ها و کاهش مشقت‌های زندگی می‌شود.

تمدن جهانی وعده داده شده در قرآن دارای دو ویژگی اصلی است: نخست، استقرار و ثبات دینی که مورد رضایت انسان‌ها قرار می‌گیرد، و دوم، تبدیل ترس و دغدغه به امنیت و آرامش، همان‌گونه که در آیه‌ای از سوره نور (آیه ۵۵) به مؤمنان بشارت داده شده است.

- قانون

قانون یکی از ارکان اساسی و بنیادین تمدن به شمار می‌آید.^۱ پیامبران الهی بر اساس نیازهای فطری انسان، به کامل‌ترین قوانین مطابق با زمان خود مجهز بودند.^۲ از آغاز تا پایان رسالت پیامبران، همگی برای ایجاد نظم اجتماعی و تبیین وظایف فردی و اجتماعی انسان تلاش کرده‌اند. این قوانین با دقت و ظرافت تمام، وظایف انسان‌ها را در قبال خود، خانواده، جامعه، هم‌نوعان، محیط زیست و همچنین نسبت به حاکمان تعریف و مشخص کرده‌اند.^۳

به اعتقاد اندیشمندان دین‌پژوه و جامعه‌شناسان، انسان از نخستین دوره‌های تاریخ همراه با اندیشه‌ای مذهبی زیسته و موجودات نامرئی و غیرقابل درک تأثیری عمیق بر ضمیر ساده و ابتدایی او داشته‌اند. از این رو، اصول اخلاقی، آداب و عادات و قوانین حاکم بر روابط انسانی، همواره از آموزه‌های دینی الهام گرفته است. قوانین دینی ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بر می‌گیرند. دین اسلام نیز جامع‌ترین قوانین را برای برپایی حکومت متعالی و پیشرفته ارائه کرده است. معیارهایی نظیر تحقق عدالت، چگونگی ارتباط میان حکومت و مردم، شرایط حاکمان و حقوق متقابل میان حاکم و رعیت بارها در آموزه‌های اسلامی بیان شده است.

- علم‌گرایی

علم یکی از اساسی‌ترین پایه‌ها و عناصر سازنده تمدن محسوب می‌شود و در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تأکیدات فراوان قرآن بر این موضوع گواهی روشن بر آن است. قلم

۱. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: نشر انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۶.

۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). انسان کامل. قم: انتشارات صدرا، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۵۸.



به عنوان مبدأ دانش، تمدن و پیشرفت معرفی شده است و حتی نزول قرآن نیز با آموزش توسط قلم آغاز شد (علق: ۴). قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبر اکرم (ص) را تعلیم کتاب و حکمت می داند (بقره: ۱۵۱) و خاطرنشان می کند که بسیاری از علوم بدون وجود پیامبران برای همیشه پنهان می ماند. پیامبران تنها رهبران اخلاقی و اجتماعی نبودند بلکه پیشوایان علمی نیز محسوب می شدند؛ بدون هدایت آنها، علوم انسانی رشد و تکامل نمی یافتند.^۱ این حقیقت در آیه ای از قرآن نیز بیان شده است: قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون (آیا دانایان با نادانان برابرند؟).

در احادیث نیز به اهمیت دانش تأکید شده است. امام علی (ع) می فرماید: "ای مردم بدانید که دین تنها هنگامی کامل خواهد شد که در کنار آن علم بیاموزید و آن را به کار ببندید. بدانید که کسب علم از کسب مال واجب تر است."^۲

جرجی زیدان علم را مهم ترین رکن فرهنگ و تمدن می داند.^۳ پیامبران الهی با دانش خدادادی خود موجب توسعه فناوری های مختلف شدند؛ مانند حضرت نوح (ع) که صنعت کشتی سازی را آغاز کرد یا حضرت داوود (ع) که هنر ذوب آهن و زره بافی را به کار گرفت (ألناله الحدید: ما آهن را در دستان او نرم ساختیم). در دوران حضرت سلیمان (ع) نیز پیشرفت هایی در معماری، حجاری، امور بازرگانی، توسعه شهری و هنر تزئینات ساختمانی رخ داد.^۴

بر این اساس، تمدن بشری چه در جنبه مادی و چه در جنبه معنوی بر محور علم استوار بوده و دانش همواره از انسان آغاز شده است. کتب آسمانی از جمله قرآن کریم تاریخچه ای از آغاز علم بر زمین را ذکر کرده اند؛ مانند آیات عَمَّ الْآدَمِ الْأَسْمَاء... و عَمَّ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ... که بیانگر وحی الهی به اولین انسان (نخستین پیامبر) است. بسیاری از دانشمندان منصف غربی اذعان کرده اند که دین با ارائه توانایی و کفایتی عمیق و حکیمانه به جامعه و دولت کمک می کند، مشکلات روحی را برطرف می سازد و

۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. قم: نشر امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۶). اصول الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۰.

۳. زیدان، جرجی (۱۳۵۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر، ص ۳۹۵.

۴. الدر، جان (۱۳۳۵). باستانشناسی کتاب مقدس. ترجمه سهیل آذری. تهران: تور جهان، ص ۷۴.

علم از مهم‌ترین پایه‌های تمدن و حاصل تلاش‌های پیامبران الهی در فرآیند بعثت به شمار می‌آید. این دانش پایه‌ای، ریشه در وحی دارد و همه پیامبران الهی، از حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، داوود، سلیمان، ادريس تا پیامبر خاتم، محمد (ص)، میراث علمی مبتنی بر وحی و حکمت الهی را برای بشریت به ارمغان آورده‌اند. آنان بر اساس درک و ظرفیت انسان‌ها و متناسب با نیازهای زمان خویش، به گسترش انواع علوم پرداختند. تعلیم نیز همواره یکی از ابزارهای کلیدی آنان بوده است. برای مثال، ادريس نبی به عنوان «معلم اول» شناخته شده.^۲ و قرآن کریم نیز پیامبران را معلمان بشر معرفی کرده است: "کما أرسلنا فيکم رسولاً منکم یتلو علیکم آیاتنا و یزکیکم و یعلمکم الکتاب و الحکمہ و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون" (بقره: ۱۵۱).

نگاهی گذرا به شرایط جامعه در زمان ظهور اسلام نشان می‌دهد که این دین تحول فرهنگی عمیقی ایجاد کرده است. در دوره‌ای که علم در جوامع مهم آن زمان، نظیر ایران، طبقاتی و محدود شده بود، اسلام به آزادسازی علم پرداخت و تمامی مرزبندی‌ها را کنار زد. اسلام تصریح کرد: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» و تمامی افراد را به تفکر در آیات الهی و تأمل در احوال هستی فراخواند (اعراف: ۱۸۴). دستور اسلام حتی یادگیری از کفار را نیز تشویق می‌کرد. و مسلمانان را به تلاش برای تسلط بر علم و عبور از دشواری‌های مسیر دانش‌اندوزی ترغیب می‌نمود.^۳

با این آموزه‌ها استعدادها در میان مسلمانان شکوفا شد و اشتیاق به دانش و فرهنگ فزونی گرفت. آنها به یادگیری علوم دیگر جوامع روی آوردند، آثار را ترجمه کردند، نقد نمودند و بر پایه آن یافته‌ها، دستاوردهای جدیدی خلق کردند. بدین ترتیب، اسلام فرهنگی مبتنی بر تساهل در علم‌اندوزی را ترویج داد و مسلمانان بدون توجه به منشأ دانش، آن را پذیرفته و به تکامل آن کمک کردند. آنان تعصبات قومی یا مذهبی را کنار گذاشتند و



۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: نشر اسراء، ص ۷۸.

۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷). بحار الانوار. تهران: اسلامی، ج ۱۱-۱۲، ۲، ۷۵، ص ۲۸۴.

۳. همان: ج ۷۵، ص ۲۷۷.

برای پیشرفت تمدن خود حتی سخت‌ترین تلاش‌ها را انجام دادند. به همین دلیل، در مدت کوتاهی مطالب علمی بسیاری به زبان عربی ترجمه شد؛ کارهایی که حتی امپراتوری روم طی قرن‌ها قادر به انجام آن نبود.^۱

مسلمانان در فتوحات‌شان نیز با فروتنی رفتار می‌کردند و از دانش ملل مغلوب استفاده می‌کردند. همین نگرش آنان را در قرون اولیه اسلامی به کانون دانشمندان تبدیل کرد؛ گروه‌های مختلف اندیشمندان انسانی و طبیعی گرد آمده و یافته‌های علمی خود را به مسلمانان عرضه می‌کردند. مسلمانان نیز هر آنچه را که با فرهنگ اسلامی سازگار بود، پذیرفتند و گسترش دادند. اسلام با این سنت‌های ارزشمند بستری مناسب برای اکتشافات علمی فراهم کرد.^۲

یکی از نویسندگان درباره علل پیشرفت مسلمانان در قرون اولیه می‌نویسد که اسلام به‌عنوان نیروی محرک، عامل اصلی ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی آنان بوده است.^۳

- عقل‌گرایی

یکی از پایه‌های اساسی اندیشه سیاسی در اسلام، خردورزی و عقلانیت است. این رویکرد اعتقاد به تعقل صحیح را پررنگ می‌کند، به گونه‌ای که از یک سو، انسانی آزاد، مختار، مستقل، پویا و مسئولیت‌پذیر ساخته؛ فردی که در عین برخورداری از کرامت و شرافت ذاتی، توانایی تصمیم‌گیری‌های بزرگ و معقول را دارد. در حوزه سیاست نیز، عقل نقش تصمیم‌گیرنده نهایی را ایفا می‌کند.

از سوی دیگر، این عقلانیت موجب قانون‌مداری و منطقی‌شدن جامعه شده و زمینه‌ساز ساخت تمدنی بر پایه منطق و قانون می‌شود. تمدن اسلامی نه تنها از عقل حقیقی استفاده‌ای گسترده کرده، بلکه از آن برای ایجاد ارتباط بین نیازهای روز بشر و اصول ثابت دینی بهره برده است؛ بی‌آنکه یکی به نفع دیگری قربانی گردد. بدین ترتیب، دین باقی می‌ماند، اما پذیرای نیازهای جدید بوده و آن‌ها را بدون ایجاد اختلال در آموزه‌های دینی تأمین می‌کند.

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). جامعه و تاریخ. قم: نشر صدرا، ص ۳۸۴.

۲. لوبون، گوستاو (۲۰۰۲). تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ص ۱۴۳.

۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). کارنامه اسلام. تهران: نشر امیرکبیر، ص ۲۲.

سنت عقلانی اسلام که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، تنوعی غنی ارائه می‌دهد و در حوزه‌هایی نظیر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، الهیات، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اخلاق و فلسفه سیاست قابل شناسایی است. برای درک عمق این موضوع باید به دو نکته توجه کرد: نخست اینکه قرآن برای نخستین بار واژه "حکمت" را که مفهومی نزدیک به فلسفه دارد، به معنای ویژه‌ای به کار برده است. دوم اینکه این کتاب الهی بر تعقل، خردورزی و تفکر تأکید زیادی داشته است که نشان‌دهنده اهمیت اندیشه عقلانی و فلسفی در آن است (بقره، ۲۶۹). افزون بر این، دعوت به تعقل و تفکر عقلانی در آیات متعدد قرآن مشهود است که مثلاً برای تفکر فلسفی و عقلانی اسلامی شده (مانند مائده ۱۰۴؛ اعراف ۲۸؛ انبیاء ۵۳؛ شعراء ۷۴؛ لقمان ۲۱؛ زخرف ۲۲).

- توسعه اقتصادی

برخلاف توسعه‌های صرفاً مادی که مبنای تمدن بشری معاصر قرار گرفته است، الگوی توسعه اسلامی بر تحول توأمان جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان تأکید دارد. آیه زیر این نگاه متوازن را بازتاب می‌دهد:

"همان کسانی که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز برپا داشته، زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و سرانجام همه امور به خدا بازمی‌گردد" (حج، ۴۱).

توسعه مادی بدون رویکردی الهی نسبت به طبیعت، جامعه و انسان نه تنها نگرشی تک‌بعدی به مسائل ایجاد می‌کند، بلکه انسان را اسیر مادیات ساخته و او را در چارچوب محدودیت‌ها محصور می‌کند. دین اسلام تأکید خاصی بر اقتصاد دارد؛ تا جایی که خداوند در قرآن فرموده است: "خداوند شما را از زمین آفرید و مأمور آبادانی زمین کرد" (هود، ۶۱). همچنین امیر مؤمنان (ع) با استناد به این آیه فرموده‌اند: "خداوند مردم را به عمران و آبادانی فراخوانده است تا این امر وسیله معیشت آنان باشد."

نگاهی به ابواب مختلف فقه اسلامی نظیر تجارت، زکات، خمس، مضاربه، مزارعه، وقف و دیگر موارد اقتصادی نشان‌دهنده جایگاه ویژه اقتصاد در اسلام است. این احکام و توصیه‌ها نه تنها روابط مالی بلکه ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی را نیز پوشش داده و



نشان‌دهنده ترکیب جامعی از دیدگاه مادی و معنوی دین اسلام هستند. رویکرد نوین اسلام نسبت به دنیا و تشویق فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای نوین و تمدنی تازه در جهان اسلام شد.^۱ اهمیت تلاش‌های اقتصادی و اجتماعی در اسلام را می‌توان از احکام و مقررات گسترده‌ای که برای تسهیل معاملات و ارتباطات وضع شده است، به‌خوبی دریافت.^۲ توجه به کشاورزی، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تمدن‌سازی بشری، از سیاست‌های کلیدی پیامبر اکرم (ص) بوده است.^۳ همچنین، حضرت یوسف (ع) در دورانی که جامعه با مشکلات اقتصادی و مالی روبه‌رو بود، با هدایت و تأیید الهی مدیریت اقتصادی کشور را بر عهده گرفت و اقتصاد نابسامان را سازمان‌دهی کرد (یوسف، ۵۴-۵۵). از سوی دیگر، حضرت داوود (ع) فرهنگ کار و تولید را که اساس پیشرفت تمدن است، توسعه بخشید. خداوند در این زمینه می‌فرماید: "ما به او ساختن زره را آموختیم تا شما را از آسیب‌های جنگ حفظ کند. پس آیا سپاسگزارید" (انبیا، ۸).

تلاش، کوشش و کسب ثروت از دیدگاه آموزه‌های دینی همواره موجب اقتدار ملت‌ها دانسته شده است و بارها بر آن تأکید شده تا جامعه‌ای قدرتمند و پیشرفته شکل گیرد.

هـ- مناسک آئینی و دینی ادیان در آراء متفکران

- دین و باورهای دینی از منظر رویکرد تفسیری گیرتز

محبوبیت بی‌نظیر کلود گیرتز، انسان‌شناس برجسته معاصر، به دلیل استفاده از رویکرد تفسیری در بررسی دین و فرهنگ است. او این رویکرد را به عنوان اعتراضی به رویکرد پوزیتیویستی معرفی کرد. رویکرد پوزیتیویستی به عنوان یک رویکرد تبیینی، به دنبال یافتن علت و خاستگاه پدیده دین است و دین را مشابه پدیده‌های طبیعی در نظر می‌گیرد و از روش‌های مشابه برای مطالعه آن استفاده می‌کند. در مقابل، رویکرد تفسیری تلاش می‌کند تا معانی و ارزش‌های اعمال و مناسک دینی و فرهنگی را روشن کند و این اعمال را به عنوان متنی با لایه‌های متعدد معنا در نظر می‌گیرد و به توصیف عمیق آن‌ها می‌پردازد.

۱. حَتّی، فیلیپ خلیل (۱۳۶۶). تاریخ عرب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات آگاه، ص ۵۰.

۲. حقوقی، عسکر (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام. تهران: انتشارات هیرمند، ص ۷۸.

۳. کلینی، همان، ص ۲۶۰.

برخی این رویکرد را غیرالهیاتی می‌دانند، زیرا به جای تمرکز بر خاستگاه یا خدا، بر معانی و ارزش‌ها تأکید می‌کند. نکته دیگری که باید ذکر شود این است که رویکرد پوزیتیویستی نگاهی اتیک یا برون‌دینی دارد و پژوهشگر دین را از دیدگاه خود بررسی می‌کند، در حالی که رویکرد تفسیری نگاهی امیک یا درون‌دینی دارد و محقق دین را از منظر معتقدان و شرکت‌کنندگان در مناسک بررسی می‌کند.

گاهی از تعبیری مانند معناشناختی، نشانه‌شناختی، نمادین یا هرمنوتیک به جای رویکرد تفسیری استفاده می‌شود. بر اساس رویکرد تفسیری، معانی و ارزش‌ها در قالب نمادها بیان می‌شوند و گیرتر توجه خود را به بازگشایی و تفسیر این نمادها معطوف کرده است. او در این باره می‌گوید: «کاری که من می‌کنم در واقع نوعی هرمنوتیک فرهنگی است».

بر اساس این رویکرد، دین به عنوان نظامی از نمادها تعریف می‌شود که با شکل‌دهی به مفاهیم نظم عمومی هستی، خلیات و انگیزه‌های قدرتمند و پایدار در انسان ایجاد می‌کند و این مفاهیم را با هاله‌ای از واقعیت می‌پوشاند تا روحیات و انگیزه‌ها تنها واقعیت ممکن به نظر برسند.

می‌توان گفت که عنصر محوری این تعریف، نماد است. ریشه انسان‌شناسی فرهنگی به این نکته برمی‌گردد که نمادها نخستین تولیدات و ابزارهای انسان هستند. نمادها به عنوان بلوک‌های سازنده دین، زبان، فرهنگ و به طور کلی تولید اجتماعی تصور می‌شوند و به تعبیر گیرتر و بسیاری از انسان‌شناسان آمریکایی دیگر، نمادها واسطه ارتباط ما با جهان هستند. گیرتر همچنین می‌افزاید که نمادها علاوه بر ارائه فهم خاصی از جهان، جهت‌گیری در برابر آن را نیز شکل می‌دهند.

به اعتقاد گیرتر، نمادها به عنوان «الگویی از واقعیت» و «الگویی برای واقعیت» عمل می‌کنند.

- دین و باورهای دینی از منظر فوکویاما

فوکویاما در آثار خود، از جمله ریشه‌های نظم سیاسی، دین را از نخستین منابع شکل‌گیری نهادهای اجتماعی دانسته و آن را عامل اولیه نظم، مشروعیت و ایجاد هنجارها



می‌خواند.^۱ به باور او، در جوامع ابتدایی، دین هم‌زمان وظایف حقوقی، اخلاقی و سیاسی را بر عهده داشته است. این ویژگی دین باعث شد تا ساختارهای اولیه قدرت و اجتماع حول آن شکل گیرد.^۲

در ادامه، فوکویاما در کتاب *اعتماد*، دین را بخشی از سرمایه اجتماعی می‌داند؛ عاملی که با تولید اعتماد میان افراد، باعث تقویت روابط افقی در جامعه می‌شود.^۳ در نتیجه، حتی در دوران مدرن، دین به عنوان منبع معنا و نظم، همچنان کارکرد خود را حفظ کرده است، هرچند صورت آن ممکن است تغییر کرده باشد.

– الگوها

مبحث الگوها در تفکر گریتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. او الگوها را به دو دسته تقسیم می‌کند: اول «الگویی برای چیزی بودن» و دوم «الگویی از چیزی بودن». «الگویی از چیزی» به معنای نسخه‌برداری از یک چیز عینی و موجود است، در حالی که «الگویی برای چیزی» پیش‌نیاز آن چیز است و می‌تواند مستقل از آن وجود داشته باشد. «الگویی برای چیزی» به ما نشان می‌دهد که یک چیز چگونه باید باشد، در حالی که «الگویی از چیزی» به ما می‌گوید که یک چیز چگونه هست. از نظر او، دین هم‌زمان هر دو نوع الگو است و به همین دلیل، تا حدی پاسخی به مسأله دیوید هیوم است که چگونه «باید» را از «هست» استنتاج می‌کنیم. دین در واقع الگویی برای رفتار ماست و به ما می‌گوید که چیزها چگونه هستند، بنابراین روحيات خاصی را در ما ایجاد می‌کند. همچنین، دین به عنوان الگویی برای جهان، به ما می‌گوید که چیزها چگونه باید باشند و انگیزش‌های خاصی را در ما به وجود می‌آورد. «الگویی برای...» در سراسر طبیعت وجود دارد، مانند ژن‌ها در ساختار فیزیکی انسان، اما برخلاف ژن‌ها و دیگر منابع اطلاعاتی غیرنمادین که تنها «الگوهای برای...» هستند و نه «الگوهای از...»، الگوهای دینی دارای دوگانگی ذاتی‌اند. آنها نه تنها تصورات آرمانی را به تصویر می‌کشند، بلکه به نوعی شیوه زندگی را نیز ارائه می‌دهند. به عبارت

1. Fukuyama, Francis. *The Origins of Political Order: From Prehuman Times to the French Revolution*. Farrar, Straus and Giroux, 2011.

۲. همان، ص ۷۸–۸۵

3. Fukuyama, Francis. *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. Free Press, 1995

دیگر، آنها با نمایش یک هستی‌شناسی (جهانبینی) سبب وقوع آن می‌شوند.^۱

اگرچه به نظر می‌رسد که گیرتز در تعریف و معرفی دین بیشترین اهمیت را به نمادها می‌دهد و به مناسک اشاره‌ای نمی‌کند، اما نظریه او بر پایه برداشت خاصی از عمل آیینی (مناسک) استوار است و در مطالعه دین، نقشی محوری برای مناسک قائل می‌شود. از دیدگاه او، هرچند که قدرت ترغیب‌کنندگی در دل نمادها نهفته است - نمادها شامل «الگویی از» واقعیت و «الگویی برای» واقعیت می‌شوند - اما این قدرت با اجرا و نمایش آن به دست می‌آید. او در مقاله «دین به مثابه یک نظام فرهنگی» ادعا می‌کند که نمادهای مقدس ابتدا در مناسک به کار گرفته می‌شوند تا جهانبینی و خلیقات را در ذهن فرد معتقد تلفیق کنند و تأکید می‌کند که مشاهده‌گر می‌تواند در مناسک، به ویژه مناسک پرزرق و برق، این تلفیق دوطرفه جهانبینی و خلیقات را به بهترین نحو مشاهده کند.^۲

- باورهای دینی

در واقع، خاستگاه همه باورهای افراد به جهانبینی یا چشم‌اندازشان نسبت به جهان بازمی‌گردد. چشم‌انداز، شیوه دیدن، به معنای دریافتن، درک کردن و فهمیدن است. چشم‌انداز دینی، چشم‌اندازی در کنار دیگر چشم‌اندازها همچون علم، عقل مشترک، هنر و غیره است، هرچند که با آنها تفاوت‌هایی دارد. تفاوت آن با دیگر چشم‌اندازها در اصل موضوعه یا زیربنای آن است، به این معنا که اصل موضوعه چشم‌انداز دینی این است که اگر کسی بخواهد با چشم‌انداز دینی به امور بنگرد، ابتدا باید باور داشته باشد.

به زعم گیرتز، ویژگی اصلی باورهای دینی در مقایسه با دیگر باورها، اعم از ایدئولوژیک، فلسفی، علمی یا باورهای برخاسته از عقل سلیم، این است که آنها زاییده تجربه نیستند. به عبارت دیگر، این باورها حاصل آگاهی عمیق اجتماعی، تأمل عقلی و فلسفی، تحلیل منطقی از مشاهده حسی و آزمودن فرضیه‌ها و یا گفت‌وگوهای شدید انتقادی نیستند، بلکه نسبت به همه آنها جنبه پیشینی دارند. باور دینی برای کسی که به آن

۱. پالس، دانیل، (۱۳۸۵)، هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمد عزیز بختیاری، قم، ص ۵۶.

۲. شامحمدی، شاهرخ، پاسالاری، فاطمه، (۱۳۹۴)، مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد

آنها) ۱، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال نهم، شماره هجدهم، ص ۳۲.



معتقد است، نتیجه استقراء نیست، بلکه ویژگی پارادایمی دارد. این نوع باور را می‌توان به نوری تشبیه کرد که از جایی بیرون از زندگی انسان بر او افکنده می‌شود. جهان نیز شواهدی برای این نوع باورها ارائه نمی‌دهد، بلکه آنها را توجیه می‌کند و از این رو، اکثر انسان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی این روش را نمی‌پذیرند؛ نه تنها به این دلیل که اکثر آنها بی‌اعتقادند، بلکه به این دلیل که از شیوه دقیق تجربه‌گرایی عدول می‌کند.^۱

حال باید پرسید که باور دینی چگونه پدید می‌آید؟ پاسخ الهیاتی این پرسش به باور گیرتر این است که از کارکردهای روان‌شناسانه و اجتماعی نمادهای دینی پدید می‌آید. اما این امر در صورتی درست است که تصور کنیم شخص در یک جهان بدون فرهنگ وارد می‌شود و سپس از درون خودش همچون کرم ابریشم، جهان (فرهنگ) را پیرامون خود می‌تند. در حالی که این گونه نیست و هر فرد در دنیایی با فرهنگ وارد می‌شود و افراد جامعه‌اش، قوانین، اشیاء، قصه‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های خاصی را برای او تدارک دیده‌اند تا واسطه جهان‌بینی معتبری برای او شود. در حقیقت، درست همان گونه که هیچ انسانی زبانی را که با آن تکلم می‌کند، خود اختراع نکرده است، به همین ترتیب، هیچ انسانی دینی را که عبادت می‌کند، اختراع نکرده است؛ هرچند که او تا حد زیادی قدرت انتخاب دارد، اما انتخاب او در همان چارچوب نظام اجتماعی‌اش محصور است. به تعبیر دیگر، جامعه تا حد زیادی دین را بر فرد تحمیل می‌کند.^۲

حال که به باور گیرتر باورها و اعتقادات دینی ریشه در فرهنگ جامعه دارد، چگونه و با چه مکانیسمی آن را به دست می‌آورند؟ اعتقاد او بر این است که این عمل در جریان مناسک اتفاق می‌افتد. در واقع، مناسک مهم‌ترین وضعیتی است که در آن نمادهای دینی به گونه‌ای عمل می‌کنند که «باور» خلق و حفظ می‌شود. او همچنین بر این نکته پافشاری می‌کند که دستیابی به باور افراد تنها با مطالعه عمل آنها در جریان وقایع اجتماعی امکان‌پذیر است.

۱. تامپسون، جان. ب.، (۱۳۷۸)، ایدئولوژی و فرهنگ‌مدرن: نظریه اجتماعی انتقادی در عصر ارتباطات توده‌گیر،

ترجمه مسعود اوحدی، تهران، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۶۷.

– مناسک و کارکردهای آن از منظر گیرتز

به نظر می‌رسد که گیرتز به مناسک بیش از باور توجه نشان می‌دهد، زیرا مناسک پدیدآورنده واقعی بودن آموزه‌های دینی و بی‌عیب و نقص بودن آنهاست. در مناسک، جهان «آن‌گونه که زیسته شده (اخلاق)» و جهان «آن‌گونه که تصور شده (جهان‌بینی)» تحت عاملیت مجموعه‌ای از صور نمادین در یکدیگر ادغام و به یک جهان واحد تبدیل می‌شوند. با اینکه گیرتز وضعیت آرمانی را یکی شدن یا به سخنی دیگر، هماهنگی جهان‌بینی و اخلاق تلقی می‌کند، لیکن اخلاق را گرامی‌تر می‌داند. از نظر او ممکن است جهان چنانکه تصور شده، شیوه زیست‌مان در جهان را شکل دهد، اما جهانی که حاصل زیست ماست، به سبب محل زیستن، جهان واقعی است. گیرتز در کتاب «اسلام در کانون مشاهده» می‌گوید، دین تنها شامل وقوف بر حقیقت یا علم به آنچه که تصور می‌شود حقیقت است، نیست، بلکه آن را به منصفه ظهور درآوردن، یعنی زیستن بر مبنای چنین حقیقتی است. بنابراین، یکی از اِهالی بالی بودن، تنها داشتن دیدگاهی معین نسبت به فرد، زمان و رفتار اجتماعی نیست، بلکه زندگی کردن با این دیدگاه‌هاست. در واقع، راه اصلی رستگاری، به جا آوردن مناسک است.^۱

– مناسک و کارکردهای آن از منظر فوکویاما

در آثار فوکویاما، مناسک به عنوان ابزار بازتولید انسجام اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرند. او مناسک را شکل نمادینی از تعامل اجتماعی می‌داند که موجب استمرار نظم نمادین در شرایط عدم قطعیت می‌شوند.^۲ به‌ویژه در زمان‌هایی که نظم رسمی دچار بحران است، مناسک با اتکا به عناصر نمادین و احساسی، توانایی بسیج و پیوند اعضای جامعه را دارند.

فوکویاما بر این باور است که دولت‌های مدرن نیز برای حفظ مشروعیت، ناگزیر از خلق مناسک جدید (نظیر جشن‌های ملی، آیین‌های سوگواری رسمی و...) هستند. به عبارتی، حتی سکولارترین ساختارهای سیاسی نیز نمی‌توانند از مناسک و قدرت نمادین



۱. شامحمدی، پاسالاری، همان، ص ۳۹.

۲. همان، فصل سوم

- ظهور مقدس از طریق مناسک

مناسک به عنوان یک نوع جهش در نظر گیرتز، مؤمنان را به درون امر قدسی پرتاب می‌کند. به همین دلیل، پس از انجام مناسک و بازگشت به زندگی روزمره، افراد دچار تغییر می‌شوند و به انسان‌های متفاوتی تبدیل می‌گردند. اما این بدان معنا نیست که این مؤمنان، حتی اولیاء (قدیسان)، همواره در حالت دینی باقی می‌مانند. به عبارت دیگر، ماندن در زندگی دینی یا تجربه لحظه مقدس، امری گذراست. در واقع، لحظه مقدس زمانی است که انسان‌ها از دنیای روزمره خود جدا می‌شوند و با امر مقدس مواجه می‌شوند. در آن لحظه، هیچ تماسی با فردی که با امر مقدس روبه‌رو شده، ممکن نیست و آنچه پژوهشگر با آن مواجه می‌شود، مربوط به پس از آن لحظه است.

از نظر گیرتز، هرچند لحظه مقدس در یک آن گذرا رخ می‌دهد، اما بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز است. در این لحظه، گذر زمان به شدت محسوس می‌شود و دگرگونی اساسی از آنچه که قبلاً بود به آنچه که بعداً خواهد آمد، اتفاق می‌افتد. این امر نمایانگر یک نقطه عطف و دگرگونی یا مرحله‌ای حساس است که پیش آمده و از میان رفته است. در واقع، فرد دیگر همان فرد قبلی نیست و وارد مرحله جدیدی از زندگی‌اش شده و آینده‌ای نو در پیش دارد. به عبارت دیگر، شیوه‌ای جدید از زندگی و دوره‌ای تازه فراهم می‌شود. بنابراین، مقدس پدیده‌ای ضروری است و هنگامی که رخ می‌دهد، تغییرات مهمی در نگرش، استنباط، جهت‌گیری یا خودشناسی افراد و نوعی دگرگونی در شیوه زندگی گروهی یا شخصی ایجاد می‌کند. امر مقدس، شیوه خودشناسی افراد، تجربه زمان و عملکرد اجتماعی اعضا را دگرگون می‌سازد.^۲

گیرتز امر مقدس را این‌گونه تعریف می‌کند: «امر مقدس در چارچوب دین، دارای حس الزام درونی است: نه تنها افراد را به سرسپردگی ترغیب می‌کند، بلکه آن را ایجاب می‌کند. این امر نه تنها موجب ایجاد رضایتی عقلانی می‌شود، بلکه تعهدی عاطفی را نیز

1. Fukuyama, Francis. **Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy**. Farrar, Straus and Giroux, 2014.

2. Segal, R. A., (2005), "Myth and Ritual", *The Routledge Companion to the Study Religion*, J. R. Hinnells(ed.), New York, p 32.

تقویت می‌کند. امر مقدس، خواه به عنوان مانا، برهما یا تثلیث مقدس مطرح شود، از امر دنیوی متمایز است و به‌طور قطع دارای معانی ضمنی گسترده‌ای برای هدایت رفتار انسان است.^۱ در واقع، از نظر گیرتز، مناسک است که امر مقدس را تولید می‌کند و با قرار دادن امر مقدس در چارچوب جهان دیگر، نخستین حلقه ارتباط را فراهم می‌آورد تا آن را به دین متصل کند. این جهان ممکن است جهانی کیهانی و عظیم، یا طبیعت و مظاهر آن، یا برخی جهان‌های فراطبیعی از هستی‌ها و معانی باشد که این جهان را شکل می‌دهند و اداره می‌کنند. با این حال، این امر به‌عنوان امری متعالی تصور می‌شود. مناسک فرایندی را آغاز می‌کند که از طریق آن، امر مقدس در یک جهان‌بینی کلی‌تر، عمومی‌تر، انتزاعی‌تر و مقتدرانه‌تر ساخته می‌شود. همچنین، مناسک دامنه امر مقدس را کاهش می‌دهد تا مردم بتوانند آنچه را که می‌خواهند به دست آورند و امیال خود را ارضا کنند.^۱ در واقع، مناسک، امر مقدس را در یک سنت، یعنی در بافت عمومی‌تر و کوتاه‌تری از شرایط و مقتضیات زندگی روزمره قرار می‌دهد.

بر اساس نظر گیرتز، افراد در اغلب فعالیت‌های دنیوی خود، تجربه‌شان از زمان را با تقویمی مقدس هماهنگ می‌کنند که انعکاسی از زمانی است که در آن شخصیت‌شان به شدت متعالی می‌شود یا متعالی را جزء خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، حالت و رفتارشان به گونه‌ای می‌شود که یک شخص ممکن است از کسی که در آن کیهان قرار گرفته، بپذیرد.

گیرتز به اسطوره‌ای اشاره می‌کند که در آن قهرمانی به نام «بیما» به سبب شجاعت، پاکی و استواری عقیده‌اش شهرت یافته و در جست‌وجوی آبی است که او را رو بین تن کند. او پس از کشتن غول‌های بسیار، با خدایی که به کوچکی انگشت او و المثنی خودش است، دیدار می‌کند. «بیما» از راه دهان ایزد وارد پیکر او می‌شود و کل گیتی را با همه جزئیات در آنجا مشاهده می‌کند و هنگامی که می‌خواهد از پیکر آن ایزد خارج شود، ایزد به او می‌گوید که هیچ آب زندگانی وجود ندارد و منبع استقامت درون خود اوست. حال،



۱. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، نگاهی به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی، «نامه علوم اجتماعی»، ش ۳۱، ص ۶۷.

مناسکی که پیرامون این اسطوره شکل گرفته‌اند، نیازمند آن‌اند که افراد در لحظه تجربه شخصی امر مقدس، آن را به نمایش درآورند و احساس کنند که مانند خدا هستند و از طریق چشمان خدا می‌بینند و رویتن می‌شوند و این احساس تنها از طریق کاوش دینی به دست می‌آید. در حقیقت، دین، امر مقدس را تصرف می‌کند. خود دین تنها یک جهان‌نگری متعالی است که امر مقدس در آن می‌تواند توصیف، درک یا تحلیل شود.^۱

ظهور مقدس از طریق مناسک از منظر فوکویاما اگرچه فوکویاما مستقیماً به مقوله «امر مقدس» از منظر الهیاتی یا پدیدارشناسانه نپرداخته، اما از خلال نظریات او می‌توان دریافت که مناسک قابلیت ایجاد تجربه‌ای فراتر از زندگی روزمره را دارند. او در تحلیل پویایی‌های فرهنگی جوامع، اشاره می‌کند که مناسک با خلق فضای مشترک، نوعی تجربه «فرا-واقعی» می‌سازند که برای افراد، واجد بار ارزشی و گاه مقدس است.^۲

این «ظهور مقدس» در نظام‌های سیاسی نیز وجود دارد. فوکویاما در کتاب *زوال نظم سیاسی* اشاره می‌کند که نظام‌های مدرن نیاز دارند برای بقا از زبان نمادین و آیینی بهره گیرند، زیرا جامعه بدون امر متعالی نمی‌تواند پیوستگی فرهنگی خود را حفظ کند.^۳

– دلایل شرکت افراد در مناسک آئینی و مذهبی از نظر گیرتز

اما چه عواملی افراد را ترغیب می‌کند تا در مناسک شرکت کنند؟ در پاسخ به این سؤال، گیرتز بر این باور است که هم دلایل اجتماعی، هم دلایل فرهنگی و روان‌شناسانه در این امر دخیل‌اند، به گونه‌ای که گاهی دین اجبارهای اجتماعی را به دنبال دارد و این امر به‌ویژه در کشورهای غیر صنعتی بسیار شدید است (هرچند در بخش‌هایی از جامعه صنعتی نیز گاهی این مسأله یافت می‌شود). به عنوان مثال، در اندونزی و مراکش چنین اجبارهایی شدت بالایی دارند.

هرچند این موضوع در برخی موارد به تعب سطحی منجر می‌شود، اما در اغلب موارد ایمان صادقانه‌ای را به وجود می‌آورد. با این حال، مشکل می‌توان گفت که بیشتر

۱. گیویان، عبدالله، (۱۳۸۷)، کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ، انجمن ایرانی و مطالعات فرهنگی و ارتباطات، س ۳، ش ۱۳، ص ۷۶.

۲. همان، فصل هشتم

3. Ibid., p. 289–294

شرکت کنندگان در مناسک، ایمان به دست می آورند، بدین سبب که از آنها انتظار می رود که از رهگذر مناسک به ایمان دست یابند. در واقع، ایمان آوردن امری درونی است و انسان ها از درون به سمت آن کشیده می شوند. در هر حال، در کنار عوامل جامعه شناسانه و روان شناسانه، دلایل فرهنگی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، گاهی پیش می آید که ایده های عقل متعارف پاسخگوی پیچیدگی های تجربه نیستند. این امر مؤید این نکته است که زندگی به طور مداوم از مقوله های عقل عملی که وبر آن را مشکل معنا می نامید، فراتر می رود. در جوامعی چون مراکش و اندونزی، عوامل فرهنگی، اجتماعی و روان شناسانه به هم می پیوندند تا انسان ها را به سمت شرکت در مناسک دینی تثبیت یافته و پذیرش باورهای متافیزیکی ضمنی در چنین مناسکی سوق دهند. در چنین جوامعی، اعتقاد آوردن همچون صحبت کردن آسان است.^۱

از نگاه فوکویاما، مشارکت در مناسک نه فقط ناشی از سنت، بلکه نتیجه نیاز انسان مدرن به تعلق، معنا و نظم است. او معتقد است که مدرنیته با افزایش فردگرایی و گسست های اجتماعی، نیاز به بازسازی پیوندهای انسانی را افزایش داده است.^۲

مناسک دینی یا فرهنگی پاسخی به این نیاز هستند؛ چرا که فضاهایی خلق می کنند که در آن، فرد درون جمع تجربه می شود و به شبکه ای از معنا متصل می گردد.

در تحلیل او، حتی مناسک سکولار (مانند راهپیمایی ها، جشن های ورزشی یا اعتراضات مدنی) نیز واجد همان ویژگی های روان شناختی و اجتماعی مناسک دینی اند؛ یعنی ایجاد پیوند، تخلیه هیجانی، و بازسازی هویت جمعی.^۳

نتیجه گیری

رفت و آمد تمدن ها یکی از جریان های پایدار و مستمر تاریخ بشر به شمار می رود. در طول تاریخ، تمدن های متعددی شکل گرفته، رشد یافته و در نهایت دستخوش زوال شده اند. این مسئله به عنوان یکی از سنت های الهی حاوی پیامی است برای مستضعفان: نه اقتدار و

۱. همان، ص ۷۹.

2. Fukuyama, Trust, page: 110-102

۳. تحلیلات فرهنگی از سخنرانی ها و مقالات فوکویاما در وبگاه های علمی



سلطه‌گری ظالمان جاودانه خواهد ماند و نه محرومیت و ضعف مظلومان همیشگی است. چنین دیدگاهی در آیه‌ای از قرآن نیز تأیید می‌شود: و نريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين. در طول حیات تمدن‌ها، همواره رویدادهای خوب و بد رخ داده است؛ ولی هیچ کدام از آن‌ها پایدار نبوده‌اند. این ویژگی ذاتی زندگی زمینی است که نه سختی‌هایش پایدارند و نه خوشی‌هایش جاودانه. بنابراین، ضروری است با مطالعه دقیق عوامل و انگیزه‌های رشد و افول تمدن‌ها، از این تحولات بهره برد و ضعف را به قدرت، و خواری را به عزت تبدیل کرد. زیرا زندگی همواره در حال دگرگونی است و تعالی و تکامل جامعه از دل همین جریان‌های متحول شکل می‌گیرد. در این میان، دین نقش اساسی و بی‌بدیلی در ایجاد، رشد و ثمردهی تمدن‌ها ایفا کرده است. تاریخ ادیان و انبیای الهی که در قرآن کریم بازتاب یافته، گواهی بر این ادعاست. دین همواره بشر را به سوی ایجاد جامعه‌ای منسجم، متعادل و عاری از هرج و مرج سوق داده و با معرفی عقلانیتی متعالی، انسان‌ها را در مسیر رسیدن به سعادت و رفاه هدایت کرده است. با توجه به نقش بنیادین دین در شکل‌گیری تمدن‌ها درمی‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ بشری، فعالیت‌های اجتماعی، دستاوردهای سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی به نوعی از نگرش مذهبی و گرایش دینی نشأت گرفته‌اند. در نهایت، برای دستیابی به تمدن اسلامی باید آموزه‌های اسلامی را مبنا قرار داده و دوباره به آن‌ها عمل کرد.

از نگاه گیرتر، مناسک یکی از عناصر اصلی دین محسوب می‌شود. او در نخستین رکن تعریف خود از دین تأکید دارد که دین یک نظام نمادین است و این نمادها تنها در بستر مناسک معنا پیدا می‌کنند. علاوه بر این، دین صرفاً به معنای شناختن حقیقت نیست، بلکه شامل به کار بستن آن در عمل و تحقق بخشیدن به آن در دنیای واقعی می‌شود؛ اتفاقی که عمدتاً در جریان مناسک رخ می‌دهد. گیرتر همچنین دین را الگویی برای شیوه زندگی تلقی می‌کند، الگویی که به‌ویژه در خلال اجرای مناسک شکل می‌گیرد. چراکه در مناسک است که لحظات مقدس تجربه می‌شوند و فرد برای مدتی از دنیای روزمره فاصله می‌گیرد؛ بنابراین، این تجربه به طور خاص برای گیرتر بیش از باورهای تئوریک اهمیت دارد. از سوی دیگر، تحلیل گیرتر از مناسک نشان می‌دهد که دین نه تنها به زندگی فردی معنا می‌بخشد، بلکه به انسجام اجتماعی نیز کمک می‌کند. او با بیان نقش نمادهای مقدس

در دو بُعد «الگوی از» و «الگوی برای»، این کارکرد دین را روشن می‌سازد. نمادهای مقدس از طریق اعمال مناسکی، جهان‌بینی خاصی را نمایان می‌کنند و شرکت‌کنندگان با اجرای این مناسک، آن جهان‌بینی را به شکلی عمیق در زندگی و ذهن خود درونی می‌سازند. چون در مناسک دینی، نوعی جهان‌بینی مشترک به نمایش گذاشته می‌شود، این امر باعث ایجاد اعتقادی واحد برای همه مؤمنان می‌شود. همین‌هاور مشترک به نوبه خود اعمال مشابهی را در پی دارد و به تقویت یکپارچگی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به بیان دیگر، دین از طریق مناسک، مدلی منسجم برای زیستن انسان‌ها ارائه می‌کند که نقشی اساسی در همبستگی جامعه ایفا می‌نماید.

از منظر فوکویاما نشان می‌دهد که حتی در بطن جوامع مدرن، دین و آیین‌ها همچنان نقش کلیدی در شکل‌گیری نظم اجتماعی، بازتولید اعتماد و ایجاد معنا ایفا می‌کنند. در جهان معاصر که شاهد گسست‌های متعدد هویتی و اجتماعی هستیم، بازنگری در کارکردهای دینی و مناسکی می‌تواند به بازسازی سرمایه اجتماعی و بازآفرینی انسجام فرهنگی منجر شود.

فهرست منابع

۱. پالس، دانیل، (۱۳۸۵)، هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمد عزیز بختیاری، قم.
۲. تامپسون، جان. ب.، (۱۳۷۸)، ایدئولوژی و فرهنگ مدرن: نظریه اجتماعی انتقادی در عصر ارتباطات توده‌گیر، ترجمه مسعود اوحدی، تهران.
۳. توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۶). بررسی تاریخ تمدن. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: نشر اسراء.
۵. حاجی احمدی، زهرا؛ همراز، ویدا؛ مسئول: گیل آبادی، شهرام، (۱۴۰۲)، روش مطلوب مناسک‌سازی تعزیه عاشورایی در رسانه‌های شنیداری، مطالعات دینی رسانه، سال پنجم - شماره ۱۹.
۶. حتّی، فیلیپ خلیل (۱۳۶۶). تاریخ عرب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات آگاه.
۷. حقوقی، عسکر (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام. تهران:

۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۸.

۹. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: نشر انقلاب اسلامی، ج ۱.

۱۰. زیدان، جرجی (۱۳۵۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.

۱۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). کارنامه اسلام. تهران: نشر امیرکبیر.

۱۲. سوروکین، الکساندر (۱۳۷۷). نظریه های جامعه شناسی و فلسفه های نوین تاریخ. رشت: انتشارات حق شناس.

۱۳. سپهری، محمد (۱۳۸۹). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل.

۱۴. شامحمدی، شاهرخ، پاسالاری، فاطمه، (۱۳۹۴)، مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد آنها) ۱، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال نهم، شماره هجدهم.

۱۵. شیخ الاسلام، جواد (۱۳۶۵). خداوندان اندیشه. تهران: امیرکبیر.

۱۶. صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹). سنت های تاریخ در قرآن. ترجمه سید جمال موسوی. تهران: انتشارات روزبه.

۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۸. غیاثی، هادی؛ برزویی، محمدرضا؛ نصیری، امید؛ (۱۴۰۰)، واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده روی زیارت اربعین حسینی، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۸۸.

۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸.

۲۰. طاهری، فاطمه، (۱۴۰۰)، نقش مناسک و آیین ها در تقویت باورهای ملی و معنوی: گفتگو با ناصر فکوهی، قابل مشاهده در: وبسایت تمدن باستانی.

۲۱. الدر، جان (۱۳۳۵). باستانشناسی کتاب مقدس. ترجمه سهیل آذری. تهران: تور جهان.

۲۲. لوکاس، هنری (۱۳۹۹). تاریخ تمدن. تهران: نشر سخن.

۲۳. لویون، گوستاو (۲۰۰۲). تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۲۴. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، نگاهی به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۱.

۲۵. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۶). اصول الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ج ۱.

۲۶. کریمی، حسین (۱۳۶۱). فلسفه تاریخ نشر جهاد دانشگاهی. تهران: انتشارات راهبردی.

۲۷. گیویان، عبدالله، (۱۳۸۷)، کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ، انجمن ایرانی و مطالعات فرهنگی و ارتباطات، س ۳، ش ۱۳.

۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷). بحار الانوار. تهران: اسلامی، ج ۱۱-۱۲، ۲، ۷۵.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). جامعه و تاریخ. قم: نشر صدرا.

۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). انسان کامل. قم: انتشارات صدرا.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. قم: نشر امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱.

۳۲. میری، محسن؛ مهتدی، محمدمهتدی؛ بیدی، مجتبی؛ (۱۴۰۱)، جستاری تحلیلی از مدل نظام سازی سازمانی مبتنی بر مناسک دینی در احادیث شیعه؛ مطالعه موردی نماز، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۳۱.

۳۳. ولایتی، کریم (۱۳۸۱). نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، شماره ۴۵.

۳۴. هاتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶). نظریه برخورد تمدن‌ها. تهران: نشر وزارت امور خارجه.

۳۵. گفتگوها و تحلیل‌های ثانویه در نشریات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی درباره فوکویاما.

36. Segal, R. A., (2005), "Myth and Ritual", The Routledge Companion to the Study Religion, J. R. Hinnells(ed.), New York.

37. Fukuyama, Francis. **The Origins of Political Order: From Prehuman Times to the French Revolution.** Farrar, Straus and Giroux, 2011.

38. Fukuyama, Francis. **Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy.** Farrar, Straus and Giroux, 2014.

39. Fukuyama, Francis. **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity.** Free Press, 1995

